

## مفهوم‌سازی تأثیر شیطان/ابلیس در نظام هدایت/اضالات بر مبنای مقوله حرکت در قرآن کریم: رویکرد شناختی<sup>۱</sup>

فاطمه آبادی<sup>۲</sup>

فتحیه فتاحی زاده<sup>۳</sup>

آزیتا افراشی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

مقاله حاضر در چارچوب نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری، دو مفهوم قرآنی شیطان و ابلیس که مفاهیمی انتزاعی و غیر قابل ادراک حسی انگاشته می‌شوند، را بر پایه مقوله حرکت -به عنوان یکی از رایج‌ترین حوزه‌های شناختی تجربه- مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف پژوهش، دست‌یابی به درکی عمیق و جامع از این مفاهیم قرآنی است تا با بهره‌گیری از روشی علمی در مطالعات تفسیری مدل مفهوم‌سازی قرآن در تبیین جایگاه شیطان/ابلیس در نظام هدایت/گمراهی نمایانده شود. پس از استخراج آیه‌های مشتمل بر کلیدواژه‌های شیطان و ابلیس، افزودن آیات مرتبط به صورت دستی و استخراج آیاتی که حرکت در آن‌ها وجود دارد، پیکره‌ای مشتمل بر ۷۸ رویداد حرکتی و ۱۰۷ آیه

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.32384.1897

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)؛ f.abadi@alzahra.ac.ir

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، استاد گروه علوم قرآن و حدیث، هیأت علمی دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده

مسئول)؛ f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

<sup>۴</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، دانشیار گروه زبان‌شناسی حوزه نظری، پژوهشکده زبان‌شناسی، هیأت علمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ a.afrahi@ihcs.ac.ir

به دست آمد. بررسی پیکره مورد اشاره نشان داد که نافرمانی و تنزل درجه شیطان به صورت خروج از مسیر، حرکت از بالا به پائین و از مکان مشخص به نامشخص تحت تأثیر نیروی خدا که نشان‌دهنده حرکت از وضعیت مطلوب به نامطلوب بوده، مفهوم‌سازی شده است. شیطان به صورت موجودی که در مسیر مانع ایجاد می‌کند، انسان را تکان می‌دهد، او را از مسیر منحرف و از بالا به پائین پرتاب می‌کند، به عنوان جزئی از کلان استعاره [بندگی خدا، قرار داشتن در یک مسیر است] مفهوم‌سازی شده است. بر مبنای استعاره دانش بنیاد [شیطان پیامبر است] پذیرش وسوسه شیطان به صورت حرکت به دنبال مقصدی متحرک در مسیری لغزنده به سوی هدفی نامشخص مفهوم‌سازی شده است. اگرچه در حرکت شیطان و پیروانش در دنیا مقصد برجسته سازی نشده، در آخرت به سمت مقصد مشخص (عذاب و جهنم) است.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن کریم، شیطان، ابلیس، استعاره مفهومی، حرکت

#### ۱. مقدمه

انسان، بیشتر مفاهیم را با تکیه بر مفاهیم دیگر ادراک می‌کند و این مستلزم آن است که برخی مفاهیم به طور مستقیم و بدون واسطه ادراک شوند، تا پایه‌ای برای ادراک دیگر مفاهیم قرار گیرند. این مفاهیم پایه، فرآورده تجربه جسمی و تعامل حسی - حرکتی انسان با محیط است که به او اجازه می‌دهند مفاهیم انتزاعی را مفهوم‌سازی کند (Lakoff & Johnson, 2016a, p. 103). از آن‌جا که قرآن کریم نیز برای بشر و مبتنی بر نظام ادراکی بشر است، مفهوم‌سازی هدایت و ضلالت به عنوان مفاهیمی انتزاعی از این قاعده به دور نیست. این دو مفهوم کلیدی در قرآن بر مبنای کلان استعاره [بندگی خدا قرار داشتن در یک مسیر است] و کاملاً وابسته به مقوله حرکت مفهوم‌سازی شده‌اند. این کلان استعاره دربرگیرنده اجزائی هم چون مفهوم‌سازی فرستادگان الهی به عنوان بلد راه (نگاه کنید به سوره اعراف، آیه ۱۵۸)، کتاب آسمانی به عنوان نقشه راه (نگاه کنید به سوره مائده، آیه ۴۴)، پیروی از دستورات الهی به صورت حرکت به سمت خدا (ر.ک: آیه نساء، سوره ۱۰۰)، کسب فضیلت‌های انسانی به صورت نزدیک شدن به خدا (نگاه کنید به سوره آل عمران، آیه ۴۵) و مهم‌تر از همه نسبت به پژوهش حاضر نپذیرش عبودیت خدا به صورت خروج و سرپیچی از مسیر (نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۱۰۸) است. شیطان نیز به عنوان عنصری موثر در گمراهی انسان در این‌جا نقش پیدا می‌کند.

مبنای حرکتی کلان استعاره حاکم بر مفهوم‌سازی هدایت/ضلالت و تأثیر شیطان در گمراهی انسان در کنار نقش مقوله حرکت در شکل‌دهی به تفکر بشر به عنوان یکی از رایج‌ترین حوزه‌های

شناختی تجربه پذیر که در تمامی زبان‌های دنیا وجود دارد (Azkia et al., 2015, p. 32) سبب شده است تا این پژوهش به بررسی چگونگی مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس به عنوان عنصری مؤثر در نظام هدایت/ضلالت و موجودی گمراه و گمراه‌کننده (ضالّ و مضلّ) بر مبنای مقوله حرکت بپردازد.

این پژوهش در تلاش است به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: نخست اینکه، قرآن چگونه تغییر وضعیت ابلیس/شیطان از موجودی در مقام ملائکه به موجودی که از فرمان خدا سرپیچی کرد و گمراه شد را با کمک مقوله حرکت مفهوم‌سازی کرده است؟ دوم آنکه، تأثیر شیطان بر گمراهی انسان چگونه بر مبنای مقوله حرکت مفهوم‌سازی شده است؟

در سال‌های اخیر پژوهش‌های گوناگونی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی بر روی مفاهیم قرآنی انجام شده است. برای نمونه، هوشنگی و سیفی (Hooshangi & Saifi, 2009) و قائمی‌نیا (Gaemina, 2011) نمونه‌هایی از استعاره‌های مفهومی را در قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند. پورابراهیم و همکاران (Pourebahim et al., 2011) مفهوم بصیرت، پورابراهیم (Pourebahim, 2014) مفهوم زندگی، حجازی (Hejazi, 2016) آیه نور، حبیبی و همکاران (Habibi et al., 2017) واژه لسان و امینی و همکاران (Amini et al., 2018) مفهوم‌سازی «اعمال نیک» در قرآن کریم را با تکیه بر رویکرد شناختی بررسی نموده‌اند. هم‌چنین از دیرباز پژوهش‌های متعددی از جنبه‌های گوناگون تفسیری، کلام و واژه‌شناسی در پیوند با شیطان و ابلیس انجام شده است؛ ولی پژوهش حاضر از نظر کاربرد زبان‌شناسی شناختی با تکیه بر مقوله حرکت به عنوان روشی علمی در فهم و تفسیر قرآن کریم در بررسی کیفیت مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس به عنوان موجودی گمراه و عنصری مؤثر بر گمراهی بشر، بدیع است.

روش کار به این صورت است که ابتدا تمامی آیه‌ها با کلید واژه‌های شیطان و ابلیس استخراج و سپس با بررسی دستی، آیه‌های مرتبط به این پیکره افزوده شد؛ برای نمونه، اگر مبدأ حرکت یا نیروی مؤثر بر آن در آیه‌های پیشین یا پسین آورده شده بود، این آیه‌ها به پیکره اضافه شد. در ادامه، با بررسی پیکره مورد اشاره، آیه‌هایی که مقوله حرکت در مفهوم‌سازی آن‌ها نقش داشت، استخراج شد. روی هم رفته در پیوند با مقوله حرکت در مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس پیکره‌ای با ۱۰۷ آیه مشتمل بر ۷۸ رویداد حرکتی به دست آمد و مبنای بررسی‌ها قرار گرفت. اشاره به این نکته لازم است که برای دستیابی به استعاره‌ها و طرحواره‌ها از متن عربی قرآن استفاده شده است و این موارد بر مبنای واژه‌های عربی و دقت در ظرافت‌های معنایی از طریق مراجعه به منابع لغوی و تفسیری و نه ترجمه استخراج شده‌اند؛ ولی در بیان ترجمه آیه‌ها از میان ترجمه‌های قرآن،

ترجمه‌ای انتخاب شده‌است که استعاره یا طرحواره موجود در آیه را به بهترین شکل نشان دهد.

## ۲. استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری

یافته‌های جدید علوم شناختی نشان می‌دهد که زبان برخاسته از نظام شناختی ذهن انسان است (Sweetser, 1990, p. 1). ذهن برای درک مفاهیمی خارج از توانش نظام مفهومی، از آن‌جا که هیچ‌ساز و کار شناختی برای درک آن وجود ندارد، با استفاده از قابلیت عملکرد حسی حرکتی به ادراک مفاهیم انتزاعی بر مبنای مفاهیم عینی می‌پردازد (Lakoff & Nunez, 2017, p. 23).

معنی‌شناسان شناختی با ارائه تعریف جدیدی از استدلال<sup>۱</sup> آن را ناشی از ماهیت مغز انسان و تجربه جسمانی او دانستند (Lakoff & Johnson, 2016b, v.1, p. 20-21). بر پایه این تعریف، بخش عمده‌ای از نظام مفهومی انسان ماهیتی استعاری می‌یابد؛ زیرا بسیاری از مفاهیم انتزاعی که ما درک روشنی از آن نداریم، به وسیله مفاهیم تجربه‌پذیر درک می‌شوند (Lakoff & Johnson, 2016a, p. 14). در این دیدگاه شناختی، استعاره یک ویژگی مربوط به سبک زبان ادبی نیست، بلکه ذهن دارای ماهیتی استعاری است. استعاره مفهومی<sup>۲</sup> در حوزه معنی‌شناسی شناختی تعریف می‌شود (Evans & Green, 2006, p. 286). استعاره را می‌توان نگاهت<sup>۳</sup> سازمان‌یافته‌ای از حوزه مبدأ<sup>۴</sup> به حوزه مقصد<sup>۵</sup> دانست که به شکل [حوزه مقصد حوزه مبدأ است] پیکربندی می‌شود. در استعاره قلمرو مبدأ عینی‌تر و تجربی‌تر و قلمرو مقصد انتزاعی‌تر است (Kovecses, 2017, p. 14). لیکاف (Lakoff, 1993) صورت‌بندی استعاره به شکل [حوزه مقصد حوزه مبدأ است] را نام‌نگاشت<sup>۶</sup> می‌داند که به خاطر سپردن نگاهت‌ها در سیستم مفهومی را ساده‌تر می‌کند. وی نگاهت را مجموعه‌ای از تناظرهای هستی‌شناختی<sup>۷</sup> بین دو طرف استعاره و نام‌نگاشت را بازنمود زبانی یک فرایند ذهنی می‌داند که گزاره‌ای است (Lakoff, 1993, p. 207). این نگاهت از حوزه مقصد به حوزه مبدأ با برجسته‌سازی<sup>۸</sup> و پنهان‌سازی<sup>۹</sup> برخی ویژگی‌های حوزه مقصد همراه است (Evans & Green, 2006, p. 303). با توجه به ماهیت حوزه مبدأ در نگاهت‌های استعاری، دو طبقه از استعاره‌های مفهومی شکل

<sup>1</sup> reosen

<sup>2</sup> metaphors

<sup>3</sup> mapping

<sup>4</sup> source domain

<sup>5</sup> target domain

<sup>6</sup> name of mapping

<sup>7</sup> ontological correspondences

<sup>8</sup> highlighting

<sup>9</sup> hiding

می‌گیرد؛ اگر حوزه مبدأ، یکی از انواع طرحواره‌های تصویری<sup>۱</sup> باشد، استعاره مفهومی طرحواره بنیاد<sup>۲</sup> و اگر حوزه مبدأ بر مبنای دانش ما از جهان خارج شکل گیرد، استعاره مفهومی دانش‌بنیاد<sup>۳</sup> خواهد بود (Kovecses, 2010, p. 42).

اصطلاح طرحواره تصویری، نخستین بار در سال ۱۹۸۷ در کتاب بدن در ذهن نوشته جانسون به کار برده شد (Afrashi, 2016, p. 51). جانسون (Johnson, 2005) دلیل ابداع این اصطلاح را تأکید بر ماهیت بدن‌مند و حسی حرکتی ساختارهای مختلف مفهوم‌سازی و استدلال بیان می‌کند. وی معتقد است آنچه ما «ذهن» و «بدن» می‌نامیم، جدا از یک‌دیگر نیستند؛ بلکه ما از این اصطلاحات بهره می‌بریم تا از جنبه‌های مختلف جریان تجربه خود درکی به دست آوریم (Johnson, 2005, p. 18).

جانسون (Johnson, 2019) طرحواره تصویری را به صورت یک الگوی پویا و تکرار شونده از تعامل ادراکی و حسی حرکتی ما در محیط که به تجربه انسجام و ساختار می‌بخشد، تعریف می‌کند (Johnson, 2019, p. 17). مقصود از تکرار شوندگی اعمالی چون حرکت کردن و حرکت دادن اشیاء و مانند آن است که هم خود به شکل تکراری آن را انجام می‌دهیم و هم شاهد تکرار آن هستیم. منظور از پویایی طرحواره‌ها این است که الگوهای طرحواره‌ای با شناخت انواع جدید تجربه گسترش پیدا می‌کند. مراد از انسجام و ساختار بخشیدن به تجربه این است که طرحواره‌ها تجربیات ما را مقوله‌بندی<sup>۴</sup> می‌کند؛ برای نمونه، ما را قادر می‌سازد مکان‌های متفاوت با اندازه و حجم مختلف را **حجم** در نظر بگیریم (Afrashi, 2016, p. 52-53). جانسون (Johnson, 2019) طرحواره‌هایی را که مستقیماً با تجربیات فیزیکی در ارتباط اند، طرحواره مبنا می‌داند که مشتمل اند بر **حجم**<sup>۵</sup>، **مسیر**<sup>۶</sup>، **ارتباط**<sup>۷</sup>، **نیرو**<sup>۸</sup>، **تعادل**<sup>۹</sup>، **تماس**<sup>۱۰</sup>، **مجاورت**<sup>۱۱</sup>، **حمایت**<sup>۱۲</sup>، **بالا/پائین**<sup>۱۳</sup>، **جلو/عقب**<sup>۱۴</sup>، **جزء/کل**<sup>۱۵</sup> و **مرکز/حاشیه**<sup>۱۶</sup>

1 image schema

2 image-schema metaphor

3 knowledge metaphor

4 categorization

5 container

6 path

7 link

8 force

9 balance

10 contact

11 adjacency

12 support

13 up-down

14 front-back

15 part-whole

16 center-periphery

(Johnson, 2019, p. 147).

بالا/پائین، جلو/عقب و مرکز/حاشیه طحوااره‌های جهت‌مند<sup>۱</sup> و نتیجه ویژگی‌های جسمانی هم‌چون راست قامت بودن و جلو/عقب داشتن و عملکرد بدن فیزیکی ما در محیط هستند و با جهت‌های اصلی مورد استفاده انسان سر و کار دارند (Lakoff & Johnson, 2016a, p.29; Taylor, 2003, p. 88). کووچش معتقد است استعاره‌های مبتنی بر طحوااره‌های جهتی را می‌توان استعاره انسجام<sup>۲</sup> نامید؛ زیرا، برای نمونه، در حالی که مفاهیمی هم‌چون بیشتر، سالم، سلطه و خوبی با جهت بالا مفهوم‌سازی شده‌اند، مفاهیم متضاد آن‌ها با جهت پائین نمود پیدا می‌کنند (Kovecses, 2010, p. 36). جهات استعاری ممکن است در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت باشند. برای نمونه، در بعضی فرهنگ‌ها آینده در جلو و در برخی دیگر در عقب مفهوم‌سازی می‌شود (Lakoff & Johnson, 2016a, p. 30-31).

تعامل انسان با محیط پیرامون، مستلزم این است که بر اجسام نیرو وارد کند یا تحت تأثیر نیروی آن‌ها قرار گیرد. نیروها صورت‌های متفاوتی همچون فشار، جاذبه و ایجاد مانع دارند. این تجربه انسان از تعامل فیزیکی با محیط، مبنای مفهوم‌سازی حوزه‌های انتزاعی قرار می‌گیرد. برای نمونه، محدودیت‌ها و تعهدهای اجتماعی به صورت نیروی فشاری یا مانع و علاقه به صورت جاذبه مفهوم‌سازی شده‌اند (Kovecses, 2010, p. 37; Johnson, 2019, p. 106,113).

مقوله حرکت از بنیادی‌ترین تجربیات ما در زندگی است و ما از کودکی آن را درک می‌کنیم. به دلیل فراگیر و بنیادی بودن حرکت در تجربه بشر، این حوزه در همه زبان‌ها واژگانی می‌شود و ادراک حرکت مبنای ادراک حوزه‌های انتزاعی فراوانی قرار می‌گیرد (Afrashi, 2016, p. 116).

ویژگی مشترک تجربه‌های حرکتی تغییر موقعیت یک حرکت‌کننده است که از ساختار طحوااره‌ای مبدأ<sup>۳</sup> - مسیر<sup>۴</sup> - مقصد<sup>۵</sup> پیروی می‌کند و در آن اجزای مشترکی وجود دارد: (۱) مبدأ که حرکت‌کننده در آغاز حرکت در آن است؛ (۲) نقطه پایان یا مقصد که متحرک هنگام توقف در آن قرار دارد؛ (۳) یک توالی از محل‌های پیوسته که مبدأ را به مقصد متصل می‌کند و مجموعه‌ای از مکان‌ها است که در مسیر از آن عبور می‌کند. این طحوااره بسیار ابتدایی اجزاء ساده‌ای دارد ولی در گستره وسیعی از حالات حرکت و استدلال به کار برده می‌شود

<sup>1</sup> orientational schemas

<sup>2</sup> coherence metaphor

<sup>3</sup> source

<sup>4</sup> path

<sup>5</sup> goal

(Johnson, 2019, p. 193; Dodge & Lakoff, 2005, p. 59).

پژوهش‌های تالمی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۲ را می‌توان شروع مطالعات زبان‌شناختی درباره حرکت دانست (Afrashi, 2016, p. 116). تالمی رویداد حرکت<sup>۲</sup> را شامل مؤلفه‌های «پیکر»<sup>۳</sup>، «زمینه»<sup>۴</sup>، «مسیر» و «حرکت» می‌داند. «پیکر» آن چیزی است که نسبت به چیز دیگری («زمینه» یا شیء مرجع) ثابت یا در حرکت است. «مسیر» راهی است که نسبت به «زمینه» به وسیله پیکر پیموده شده و یا مکانی است که توسط آن اشغال می‌شود. مؤلفه «حرکت» به وجود حرکت یا استقرار<sup>۵</sup> در این رویداد اشاره دارد (Talmy, 2000, v. 2, p. 25).

### ۳. مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس بر مبنای مقوله حرکت

همان گونه که گفته شد، در پیوند با مقوله حرکت در مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس پیکره‌ای با ۱۰۷ آیه مشتمل بر ۷۸ رویداد حرکتی به دست آمد و مبنای دست‌یابی به چگونگی مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس بر اساس مقوله حرکت قرار گرفت. بررسی پیکره مورد اشاره نشان می‌دهد، در تمامی مواردی که مقوله حرکت در مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس نقش دارد، شیطان به عنوان گمراه (ضال) یا گمراه‌کننده (مضل) مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین پیکره مورد اشاره به دو بخش قابل دسته‌بندی است: ۱- مفهوم‌سازی شیطان/ابلیس به عنوان موجودی گمراه. ۲- مفهوم‌سازی به عنوان عنصری اثرگذار بر گمراهی انسان.

### ۳. ۱. مفهوم‌سازی با تکیه بر وضعیت خود شیطان/ابلیس

هجده رویداد حرکتی به مفهوم‌سازی وضعیت شیطان/ابلیس فارغ از تأثیر او بر گمراهی انسان می‌پردازد. این مدل مفهوم‌سازی متأثر از طرحواره‌ها و استعاره‌های مفهومی و مبتنی بر مقوله حرکت در چند گام قابل پیگیری است.

الف) ابلیس در مقام ملائکه: ابلیس پیش از نافرمانی خدا در مقام ملائکه قرار داشت (نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۳۴؛ سوره اسراء، آیه ۶۱؛ سوره کهف، آیه ۵۰؛ سوره طه، آیه ۱۱۶؛ سوره اعراف، آیه ۱۱؛ Javadi-Amoli, 2010, V. 3, p. 375). گرچه در این بخش حرکت وجود ندارد ولی این مقام بر مبنای نام‌نگاشت [داشتن یک مقام، بودن در یک مکان است] مبتنی بر طرحواره حجم،

<sup>1</sup> Talmy

<sup>2</sup> motion event

<sup>3</sup> figure

<sup>4</sup> ground

<sup>5</sup> locatedness

مبدا حرکت در مراحل پسین است.

ب) امر خدا به سجده بر آدم و نافرمانی او: در این گام نافرمانی ابلیس از امر خدا در ۱ رویداد حرکتی به صورت «فسق» به معنای خروج (Al-Mustafawi, 2009, V. 9, p. 97) از امر خدا به عنوان مکان بر مبنای نام‌نگاشت [نافرمانی خدا، خروج از مکان است] با کمک طرحواره حجم مفهوم‌سازی شده است (مثال ۱). در اینجا مبدأ حرکت با کمک حرف «عَن/از» برجسته‌سازی و فرمان خدا به عنوان مکان مفهوم‌سازی شده است ولی حرف «إلی» که بیانگر مقصد حرکت است، وجود ندارد.

۱. ﴿فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ﴾ (سوره کهف، آیه ۵۰): ابلیس ... از دایره فرمان پروردگارش بیرون رفت (Ansarian, 2004).

ج) تنزل درجه ابلیس: تنزل درجه‌ای که ابلیس به دنبال نافرمانی پیدا کرد در پنج رویداد حرکتی با دو نوع حرکت به صورت هبوط (مثال ۲) بر مبنای نام‌نگاشت [مقام برتر، مکان بالاتر است] و [از دست دادن مقام برتر، پائین رفتن است] و اخراج بر مبنای نام‌نگاشت [از دست دادن مقام، خارج شدن از مکان است] مفهوم‌سازی شده است (نمونه ۳)؛ هم‌چنین نگاه کنید به سوره اعراف، آیه‌های ۱۳ و ۱۸) (The Holy Quran, 2004, p. 77).

۲. ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۳): خدا فرمود: از این جایگاه و منزلت ... فرود آی (Ansarian, 2004).

۳. ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا﴾ (سوره حجر، آیه ۳۴): گفت: از این [جایگاه والا که مقام مقربان است] بیرون رو (Ansarian, 2004).

در مفهوم‌سازی مقام به عنوان مکان، طرحواره حجم و در اخراج و هبوط طرحواره نیرو مبتنی بر نام‌نگاشت [خدا نیرویی است که عامل حرکت شیطان است] نیز وجود دارد. از میان تمامی رویدادهای حرکتی به کاررفته در این بخش، نمونه ۲ تنها موردی است که به مسیر حرکت بر مبنای طرحواره بالا/پائین اشاره دارد.

د) ظهور مفهوم شیطان و دور شدن با رجم و لعن: در این مرحله ۸ رویداد حرکتی مرتبه‌ای دیگر از تنزل درجه ابلیس را بر مبنای حرکت و با کمک طرحواره مرکز/حاشیه بر مبنای نام‌نگاشت [مقام برتر، مکان نزدیک تر به خدا است] مفهوم‌سازی کرده است. در این جا مفهوم «شیطان» ایجاد می‌شود و موجودی که تا این مرحله ابلیس خوانده می‌شد، شیطان نامیده می‌شود و با رجم (مثال ۴) و لعن (مثال ۵) از خدا دور می‌شود.

۴. ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ (سوره حجر، آیه ۳۴): گفت: از این [جایگاه والا ...] بیرون رو



که رانده شده‌ای (Ansarian, 2004).

۵. ﴿لَعْنَةُ اللَّهِ﴾ (سوره نساء، آیه ۱۱۸): خدا شیطان را از رحمتش دور کرد (Ansarian, 2004).  
پیگیری ماده «رجم» در عربی و دیگر زبان‌های سامی نشان می‌دهد این ماده به معنای سنگ زدن، شتم و نفرین و دور کردن است (Ibn Manzur, 2001, v. 11, p. 48-49; Al-Azhari, 2001, v. 11, p. 48-49; Jastrow, 1903, v. 2, p. 1449; 1994, v. 12, p. 227; Maskur, n.d. v. 1, p. 282; Gesenius, 1939, p. 919; Costaz, 2002, p. 338). «لعن» نیز معنایی مشابه دارد، با این تفاوت که سنگ زدن در لعن وجود ندارد و شتم و نفرین در آن برجسته‌تر است (Al-Farahidi, 1986, v. 2, p. 141; Jastrow, 1903, v. 2, p. 714).

در تبیین ارتباط بین دو مفهوم ابلیس و شیطان لازم به گفتن است که ابلیس اسم خاص برای فردی از جن است که از فرمان خدا سرپیچی و قسم یاد کرد که افراد بشر را گمراه کند (نگاه کنید به سوره نساء، آیه ۱۱۹) و به دشمن انسان بدل شد (نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۱۶۸). از آن‌جا که شیطان در لغت در معنای اصلی دشمن، آشوب‌گر، مانع و رقیب است (نگاه کنید به Brun, 1895, p. 396; Smith, Jastrow, 1903, v. 2, p. 1554 & 973; Brinkman, 2004, Leslau, 1991, p. 523; Gesenius, 1939, p. 966 1957, p. 373; v. 17/1, p. 366)، وی و همه افرادی که عملی مشابه او داشتند، با واژه «شیطان» وصف شدند؛ به این ترتیب، این تغییر نام به دنبال تغییر وضعیت ابلیس از موجودی در مقام ملائکه به دشمن بشر رخ داد. شاهی دیگر بر این مدعا که این مرحله، مرحله گذار از مفهوم ابلیس به شیطان بوده، این است که رجم و لعن برای هر دو مفهوم ابلیس و شیطان به کار رفته‌است. این در حالی است که در مراحل پیشین متحرک فقط ابلیس و در مرحله پسین فقط شیطان نام گرفته‌است.

در این بخش مبدأ، مسیر و مقصد حرکت نامشخص است و فقط شیطان متأثر از نیروی خدا از مکانی نزدیک‌تر به خدا به مکانی دورتر حرکت داده می‌شود، از این رو دو طرحواره مرکز/حاشیه و نیرو در تبیین این رویداد حرکتی نقش دارند.

ه) وضعیت عمومی شیاطین: در چهار رویداد حرکتی وضعیت عمومی شیاطین پس از تنزل مقام مفهوم‌سازی شده‌است. به این شکل که هر زمان شیاطین تلاش کنند مخفیانه به مقام ملائکه که به عنوان مکان مفهوم‌سازی شده‌است، نزدیک و از اخبار غیبی مطلع شوند، با شهاب یا تیرهایی دور خواهند شد (مثال ۶). مبدأ، مسیر و مقصد این حرکت نامشخص است.

۶. ﴿يَقْدُفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا... فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ (سوره صافات، آیه‌های ۸-۱۰): از هر سو [شهاب] به سویشان پرتاب می‌شود، تا با خفت و خواری رانده شوند، ... گلوله‌ای آتشین و شکافنده او را دنبال می‌کند (Ansarian, 2004).

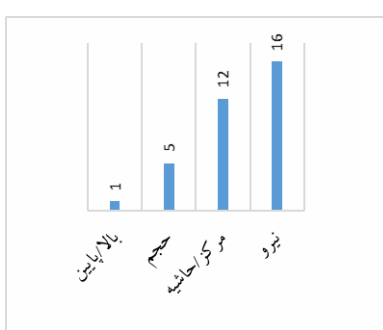
روی هم‌رفته، می‌توان گفت قرآن بر مبنای مقوله حرکت تغییر وضعیت ابلیس از موجودی که در مقام ملائکه قرار داشت به وضعیت فعلی را به عنوان مفهومی انتزاعی به این شکل بیان کرده‌است که ابلیس با اختیار خود از مکانی مشخص که بیانگر وضعیت ثبات و استقرار است، به سمت مقصدی نامشخص خارج می‌گردد. به این ترتیب، سرپیچی از فرمان خدا به صورت خروج از وضعیت ثبات و استقرار مفهوم‌سازی می‌شود. این مورد تنها موردی است که طرحواره نیرو در آن وجود ندارد و شیطان حرکت داده نمی‌شود بلکه حرکت می‌کند و به این وسیله مفهوم ضلالت اولیه که نه از جانب خدا بلکه نتیجه سوء اختیار فرد است (Fattahizadeh et al., 2017, p. 203)، با کمک تجربه انسان از حرکت و نیرو مفهوم‌سازی می‌شود.

در مرحله پسین، شیطان تحت تأثیر نیروی خدا تنزل درجه پیدا می‌کند که به صورت حرکت تحت تأثیر نیروی خدا از بالا به پائین و به سمت مقصدی نامشخص بیان شده‌است و افزون بر اشاره به اضلال ثانویه که از جانب خدا و به دنبال سوء اختیار فرد رخ می‌دهد (Fattahizadeh et al., 2017, p. 203)، نتیجه سرپیچی از خدا به صورت سقوط در مکانی نامعین مفهوم‌سازی شده‌است. در این رویدادهای حرکتی، مبدأ حرکت با حرف «مِن» که معنای اصلی آن اشاره به مبدأ حرکت بوده (مثال (۲)، (۳) و (۴))، به صورت مکان برجسته‌سازی شده‌است؛ ولی حرف «إلی» که اشاره به مقصد حرکت دارد، در آیه وجود ندارد و مقصد حرکت به صورت مکان مشخص برجسته‌سازی نشده‌است. گرچه مفهوم خروج از مقام برتر تنزل درجه بوده که بر مبنای حرکت و بالا/پائین تبیین شده‌است. در پایان، شیاطین به عنوان موجوداتی که نه تنها خود از فرمان خدا سرپیچی کردند، بلکه به دشمنی با بشر و تلاش برای گمراهی او پرداختند، به صورت موجوداتی که همواره در مکانی دور از خدا نگه داشته و همواره به حاشیه رانده می‌شوند، مفهوم‌سازی شده‌اند.

شکل (۱) و (۲) مؤلفه‌های حرکت و طرحواره‌های به کاررفته در مفهوم‌سازی وضعیت ابلیس/ شیطان را نشان می‌دهد.



شکل ۱: فراوانی مؤلفه‌های حرکت در مفهوم‌سازی وضعیت شیطان



شکل ۲: فراوانی طرحواره‌ها در مفهوم‌سازی شیطان

### ۳.۲. مفهوم‌سازی شیطان به عنوان گمراه‌کننده انسان

شصت رویداد حرکتی در مفهوم‌سازی شیطان به عنوان عاملی مؤثر بر گمراهی انسان نقش دارد که در چهار دسته بررسی می‌شود.

#### ۳.۲.۱. گمراه کردن آدم و حوا

در هر سه رویداد حرکتی که در این بخش وجود دارد، آدم و حوا متحرک و نیروی مؤثر بر حرکت، شیطان است، به گونه‌ای که شیطان عامل لغزش آن‌ها (مثال ۷)، و از دست دادن مقام برترشان است. از دست دادن مقام با دو حرکت به صورت اخراج از مکان (مثال ۷) و حرکت از بالا به پائین (نمونه ۸) مفهوم‌سازی شده است.

۷. ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ﴾ (سوره بقره، آیه ۳۶): شیطان آن‌ها را به لغزش افکند و آنان را از آن مقام بیرون آورد (Elahi Qomshehei, 2001).

۸. ﴿فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ﴾ (سوره اعراف، آیه ۲۲): آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود آورد (Ansarian, 2004).

در این بخش، شیطان به صورت نیرویی که آدم و حوا را دچار لرزش کرد، از مکانی خارج کرد و از بالا به پائین پرتاب کرد، مفهوم‌سازی شده است. بر خلاف اولین مرحله از گمراهی شیطان که به صورت خروج از مکان بدون وجود نیرو بیان شده بود (نگاه کنید به مثال ۱)، نخستین مرحله از گمراهی آدم و حوا به صورت خروج از مکان تحت تأثیر نیروی شیطان بیان شده است که اشاره به تأثیر شیطان در گمراه‌سازی اولیه دارد؛ به این ترتیب که اضلال فقط شامل افرادی می‌شود که پیش‌تر از فرمان او سرپیچی کرده‌اند (اضلال ثانویه) ولی شیطان بدون وجود چنین زمینه‌ای افراد را گمراه می‌کند. به این ترتیب، این دو مفهوم کاملاً انتزاعی (اضلال اولیه و ثانویه) بر مبنای حرکت و نیرو به صورت کاملاً حسی مفهوم‌سازی شده‌اند.

#### ۳.۲.۲. تلاش‌های شیطان برای گمراه کردن انسان

در ۲۵ رویداد حرکتی تلاش‌های شیطان برای گمراه کردن انسان بر مبنای مقوله حرکت مفهوم‌سازی شده که به دو گروه قابل دسته‌بندی است: الف) شیطان یا وسوسه او به عنوان شیء متحرک (۱۰ مورد) ب) شیطان به عنوان عامل حرکت (۱۵ مورد).

الف) شیطان یا وسوسه او به عنوان شیء متحرک

شیطان به عنوان عامل گمراهی انسان به صورت موجودی که در مسیر حرکت انسان می‌نشیند (نگاه کنید به سوره اعراف، آیه ۱۶)، از همه جهت به سمت او می‌آید (نگاه کنید به سوره اعراف، آیه

۱۷)، از بالا به سمت انسان حرکت می‌کند (مثال ۹ و ۱۰) و با هدف تحت نظر داشتن انسان به دنبال او حرکت می‌کند (نگاه کنید به سوره اعراف، آیه ۱۷۵) مفهوم‌سازی شده‌است.

۹. ﴿أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (سوره مریم، آیه ۸۳): ما شیطان‌ها را بر سر کافران فرستادیم (Meshkini, 2002).

۱۰. ﴿تَنْزِيلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ﴾ (سوره شعراء، آیه ۲۲۳): شیاطین بر هر بسیار دروغگوی بدکار نازل می‌شوند (Elahi Qomshehei, 2001)

«ارسال» در مثال (۹)، به معنای فرستادن با حرف «علی» به کار رفته که به معنای بالاتر بودن و روی چیزی قرار داشتن (Al-Zabidi, 1993, v.19, p.702) و «نزول» در مثال ۱۰ به معنای حرکت از بالا به پایین است (Al-Farahidi, 1986, v. 7, p. 367) و بنابراین شیاطین نسبت به کافران و دروغ‌گویان در مکانی بالاتر مفهوم‌سازی شده‌اند. این مفهوم‌سازی بر مبنای نام‌نگاشت [مقام برتر، مکان بالاتر است] این مفهوم انتزاعی را تبیین می‌کند که کافران با پذیرش شیطان به عنوان ولی امر و سرپرست امور خود، شیطان را در مقامی بالاتر از خود قرار داده‌اند (نگاه کنید به سوره نحل، آیه ۱۰۰). این در حالی است که حرکت شیطان از بالا به سمت پیامبر (ص) و در نتیجه در مقامی بالاتر نسبت به او بودن نفی شده‌است (مثال ۱۱).

۱۱. ﴿وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ﴾ (سوره شعراء، آیه ۲۱۰): و هرگز این (قرآن) را شیطان‌ها (بر پیامبر ما) فرود نیاورده‌اند (Meshkini, 2002).

وسوسه شیطان به صورت شیء متحرکی که از سمت شیطان به سوی انسان می‌آید و دور انسان می‌چرخد (مثال ۱۲) و شیء متحرکی که نیروی تقوا (مثال ۱۲) یا نیروی خدا (مثال ۱۳) آن را از انسان دور می‌کند مفهوم‌سازی شده‌است.

۱۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طُغْيٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا﴾ (سوره اعراف، آیه ۲۰۱): کسانی که تقوا ورزند، هر گاه وسوسه‌ای از شیطان به آنان رسد یا شیطانی دورزننده (بر دل‌ها) به فکرشان آسیب رساند (بی‌درنگ) متذکر شوند (Meshkini, 2002).

۱۳. ﴿يُذْهِبْ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ﴾ (سوره انفال، آیه ۱۱): وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد (Elahi Qomshehei, 2001).

ب) شیطان عامل حرکت

در پانزده رویداد حرکتی، شیطان به صورت نیرویی مؤثر بر حرکت انسان مفهوم‌سازی شده‌است. به این ترتیب که عملیات گمراه کردن که توسط شیطان انجام می‌شود به عنوان مفهومی انتزاعی، به صورت انواع مختلفی از حرکت انسان که نیروی مؤثر بر حرکت شیطان بوده، مفهوم‌سازی

شده است. در ادامه، برای هر یک از این انواع نمونه‌ای از پیکره بیان می‌شود:

در ۵ رویداد حرکتی از گمراه کردن به «صد» تعبیر شده است (مثال ۱۴؛ سوره مائده، آیه ۹۱؛ سوره عنکبوت، آیه ۳۸؛ سوره زخرف، آیه‌های ۳۷ و ۶۲).

۱۴. ﴿فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ﴾ (سوره نمل، آیه ۲۴): شیطان ... راه راست برویشان بر بست (Farsi, 1990).

بررسی ماده «صد» در عربی و دیگر زبان‌های سامی نشان می‌دهد، این ماده به معنای در برابر چیزی قرار گرفتن، ایجاد مانع و منحرف کردن است (Al-Raghib, 1992, p. 477; Mashkur, n.d., v.1, p. 478; Gesenius, 1939, p. 841). از این رو، به نظر می‌رسد «صد» به معنای ایجاد مانع در مسیر است به گونه‌ای که متحرک را وادار به انحراف از آن می‌کند. پس در موارد مورد اشاره گمراه کردن بر مبنای نام‌نگاشت‌های [گمراه کردن، ایجاد مانع در مسیر است] و [گمراه کردن، خارج کردن از مسیر/مکان است] به عنوان جزئی از کلان استعاره [بندگی خدا قرار داشتن در یک مسیر است] و شیطان بر مبنای [شیطان مانع در مسیر بندگی است] و [شیطان نیروی منحرف کننده از مسیر بندگی است] مفهوم‌سازی شده اند. در ۴ مورد از موارد مذکور مبدأ حرکت یک مسیر و در یک مورد مبدأ حرکت یاد خدا و نماز است (نگاه کنید به سوره مائده، آیه ۹۱) که به صورت مکان بر مبنای طرحواره حجم مفهوم‌سازی شده است. در این جا انسان به واسطه نیروی شیطان از مسیر یا مکانی مشخص به سمت مقصدی نامشخص حرکت داده می‌شود. در این مفهوم‌سازی علاوه بر طرحواره نیرو، مسیر و مرکز/حاشیه - زیرا حرکت به صورت دور شدن از یک مبدأ و نه رفتن به مکانی دیگر بیان شده است - نیز وجود دارد.

در ۴ رویداد حرکتی از گمراه کردن به «اضلال» تعبیر شده است (نگاه کنید به مثال ۱۴؛ سوره نساء، آیه‌های ۶۰ و ۱۱۹؛ سوره حج، آیه ۴).

۱۵. ﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا﴾ (سوره یس، آیه ۶۲): گروه‌هایی انبوه از شما را از راه بدر برد و گمراه کرد (Farsi, 1990).

بررسی واژگانی ماده «ضلل» و مطالعه کاربردهای قرآنی آن نشان می‌دهد، «اضلال» هم چون «صد» به معنای منحرف کردن از مسیر است (Al-Zabidi, 1993, v.15, p.425; Zammit, 2002, 265). با این تفاوت که در «صد» انحراف از مسیر به دنبال وجود مانع رخ می‌دهد؛ ولی مؤلفه «وجود مانع» در مفهوم اضلال وجود ندارد. از این رو، اضلال مفهومی عام‌تر از صد بوده و در این جا شیطان تنها بر مبنای نام‌نگاشت [شیطان نیروی منحرف کننده از مسیر بندگی است] مفهوم‌سازی شده است. در این مورد نیز مبدأ حرکت یک مسیر، متحرک انسان، مقصد حرکت

نامشخص و عامل حرکت شیطان است و افزون بر نیرو و طرحواره‌های مسیر و مرکز/حاشیه در مفهوم‌سازی نقش دارند.

در ۳ رویداد حرکتی گمراه کردن بر مبنای تکان دادن مفهوم‌سازی شده‌است (مثال ۱۶؛ سوره بقره، آیه ۲۷۵؛ سوره آل عمران، آیه ۱۵۵).

۱۶. ﴿أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا﴾ (سوره مریم، آیه ۸۳): ما فرستادیم شیاطین را بر کافرها که می‌جنابند ایشان را به نافرمانی، جناباندنی شدید (Yasseri, 1995).

در این موارد نام‌نگاشت [گمراه کردن، تکان دادن است] شیطان را به صورت نیرویی که موجب تکان خوردن است، مفهوم‌سازی کرده است ولی با توجه به نوع حرکت (لرزش) مبدأ، مسیر و مقصد تعریف نمی‌شود.

در یک رویداد حرکتی نام‌نگاشت [شیطان نیرویی است که از بالا به پائین پرتاب می‌کند] وجود دارد (مثال ۱۷). «استهوی» به معنای پرتاب از بالا به پائین (Al-Azhari, 2001, v. 6, p. 258) و مسیر بر مبنای طرحواره بالا/پائین برجسته شده‌است.

۱۷. ﴿كَأَلَدَىٰ آسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ﴾ (سوره انعام، آیه ۷۱): مثل کسی که او را پرتاب کرده باشند شیاطین (Yasseri, 1995).

در یک رویداد حرکتی نام‌نگاشت [شیطان نیرویی است که انسان را در مکان نامشخص می‌کشاند] وجود دارد (مثال ۱۷).

۱۸. ﴿وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوْنَهُمْ فِي الْغَىِّ﴾ (سوره اعراف، آیه ۲۰۲): و مشرکان را برادرانشان (یعنی شیاطین انس و جن) به راه ضلالت و گمراهی می‌کشند (Elahi Qomshehei, 2001).

بررسی ماده «غوی» در عربی و دیگر زبان‌های سامی نشان می‌دهد، این ماده دو مؤلفه معنایی اصلی دارد: ۱- خم شدن، پیچیدن و انحراف از مسیر ( Mashkur, n.d., v.2, p.615; Zammit, 2002, p.312; Gesenius, 1939, p.730; Jastrow, 1903, p.1049; Leslau, Al-Raghib, 1992, p.620; Dillmann, 1865, ) ۲- حیرت، خطا و ناآگاهی (1991, p.77). در نتیجه تفاوت «ضلالت» و «غی» در این است که در «غی» علاوه بر انحراف از مسیر تأکید بر ناشناخته بودن هدف یا انحراف از روی نادانی نیز وجود دارد (Javadi-Amoli, 2010, v.12, p.163) و از آن جا که در مثال ۱۸ حرف «فی» که اشاره به مکان دارد، آمده‌است، بر مبنای طرحواره حجم «غی» به شکل مکان نامشخصی که شیاطین پیروان خود را درون آن می‌کشند، بیان شده‌است. نمونه مورد اشاره، تنها موردی در این بخش است که مقصد حرکت در آن برجسته شده ولی این مقصد خود مکانی ناشناخته است.

در یک رویداد حرکتی نام‌نگاشت [شیطان نیرویی است که انسان را عقب‌نگه می‌دارد] دیده می‌شود (مثال ۱۹).

۱۹. ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ﴾ (سوره محمد، آیه ۲۵): شیطان اعمال کسانی را که بعد از آشکار شدن راه هدایت مرتد شدند در نظرشان بیاراست و در گمراهی نگاهشان داشت (Pourjavadi, 1994).

ارتداد در لغت به معنای بازگشتن در مسیری که فرد از آن آمده است (Al-Raghib, 1992, p. 349). قید «علیٰ أدبارِهِم» در آیه مورد اشاره به معنای «به سمت عقب» جهت این حرکت را از جلو به عقب بیان می‌کند و کسانی که پس از روشن شدن حقیقت از ایمان خود دست بر می‌دارند را به شکل افرادی که از جلو به عقب حرکت می‌کنند، مفهوم‌سازی می‌کند.

«تسویل» به معنای زینت دادن و زیبا جلوه دادن و «املاء» به معنای طولانی کردن زمان و نگه‌داشتن بر یک حالت برای مدتی طولانی است (Al-Faradidi, 1986, v.7, p. 298; Al-Azhari, 2001, v.15, p.291). از این رو، تأثیر شیطان بر این افراد به این گونه است که با زیبا جلوه دادن کفر، آنان را در این حالت نگه می‌دارد. این وضعیت بر مبنای نام‌نگاشت [شیطان نیرویی است که مانع حرکت از عقب به جلو می‌شود] و عملیات گمراه کردن بر مبنای نام‌نگاشت [گمراه کردن، عقب‌نگه‌داشتن است] با کمک طرحواره‌های نیرو و جلو/عقب مفهوم‌سازی شده است.

روی‌هم‌رفته، بر مبنای کلان استعاره [بندگی خدا، قرار داشتن در یک مسیر است]، شیطان به عنوان موجودی مؤثر بر گمراهی انسان، به صورت کسی که در مسیر حرکت انسان می‌نشیند، از همه جهت به سمت او و از بالا به سمت کافر می‌آید و وسوسه‌اش به دور انسان می‌چرخد، به تصویر کشیده می‌شود و این مفهوم را برای انسان روشن می‌کند که شیطان از همه ابزارها برای گمراهی انسان استفاده خواهد کرد (حرکت از همه جهات)، لحظه‌ای از انسان غافل نمی‌شود (حرکت به دنبال انسان) و کفر به معنای مسلط کردن دشمن بر خود است (حرکت شیطان به عنوان دشمن انسان از بالا به سمت او) که به سود انسان نخواهد بود. در مقابل تقوا نیرویی است که می‌تواند وسوسه شیطان را از انسان دور و تلاش‌های او را بی‌اثر کند.

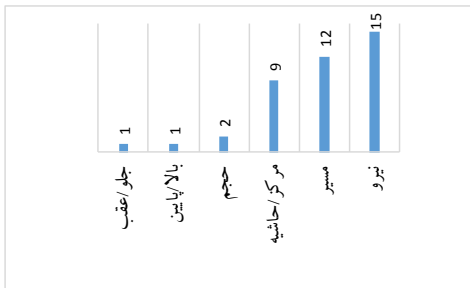
بر مبنای کلان استعاره مورد اشاره، مؤمن به صورت متحرک در مسیری که مقصد آن خدا و - با توجه به اینکه خدا در بالا مفهوم‌سازی می‌شود (نگاه کنید به سوره نجم، آیه ۳) - در حرکت به سمت بالا است، به مفهوم‌سازی می‌شود، شیطان به عنوان کسی که در مسیر حرکت ایجاد مانع و

انسان را از مسیر خود منحرف می‌کند، او را از بالا به پائین پرتاب و دچار لغزش، لرزش و تکان‌های شدید می‌کند، او را عقب‌نگه می‌دارد و در مکانی نامشخص می‌کشاند، مفهوم‌سازی شده‌است. تمامی این موارد تأثیر شیطان بر انسان را به صورت اموری که در تجربه حسی-حرکتی انسان نامطلوب است، نشان می‌دهد. تجربه انسان از حرکت نشان داده‌است که وجود مانع در مسیر به معنای زحمت بیشتر، هدررفتِ زمان و نرسیدن به مقصد و خارج شدن از مسیر برابر با گم شدن و به مقصد نرسیدن و نامطلوب است. لرزش، لغزش و تکان شدید تداعی‌کننده زلزله و دلهره‌آور و حرکت از بالا به پائین تداعی‌کننده سقوط است که علاوه بر ترسناک بودن از آنجا که بالا در مفهوم‌سازی مفاهیم مثبت و پائین در مفهوم‌سازی مفاهیم منفی به کار می‌رود (Kovecses, 2017, p. 260) تداعی‌کننده انتقال از وضعیت مطلوب به نامطلوب است و عقب‌نگه داشتن تداعی‌کننده مانع پیشرفت شدن و در مکان نامشخص کشاندن تداعی‌کننده سرگردانی است.

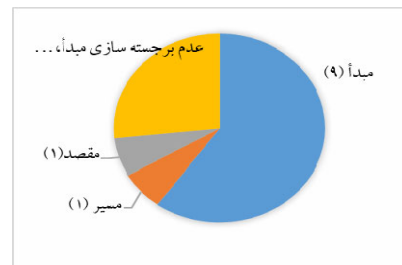
این‌گونه قرآن مفهوم روشنی از تأثیر شیطان بر زندگی انسان ارائه می‌دهد ولی در کنار آن راه حل خروج از این مشکل را نیز آشکارا به صورت مجهز شدن به نیروی تقوا (نگاه کنید به سوره اعراف، آیه ۲۰۱) و عدم پذیرش ولایت شیطان (نگاه کنید به سوره نحل، آیه ۹۹-۱۰۰) روشن می‌کند. در مقابل، پیروی از فرستادگان الهی به صورت حرکت در مسیری بدون مانع، بدون ترس و به سمت بالا (نگاه کنید به سوره اعراف، آیه ۱۵۷؛ سوره بقره، آیه ۳۸) که همه در تجربه حسی-حرکتی انسان مطلوب است، مفهوم‌سازی می‌شود.

شکل‌های (۳) و (۴) فراوانی تکرار مولفه‌های حرکت و طرحواره‌های ترکیبی موجود در این

بخش را نشان می‌دهد.



شکل ۴: طرحواره‌ها در مفهوم‌سازی به عنوان عامل حرکت



شکل ۳: مؤلفه‌های حرکت در مفهوم‌سازی شیطان به عنوان عامل حرکت

### ۳.۲.۳. پذیرش وسوسه/کلام شیطان توسط انسان

در ۲۹ رویداد حرکتی پذیرش وسوسه و عبودیت شیطان توسط انسان و در نتیجه وضعیت انسانی



که فریب شیطان را خورده‌است، با کمک حرکت مفهوم‌سازی شده که در چهار گروه کلی قابل دسته‌بندی است.

#### الف) شیطان مقصد حرکت

در بیست و پنج رویداد حرکتی شیطان به عنوان مقصدی متحرک مفهوم‌سازی شده که در این میان ۲۴ مورد با کمک مفهوم تبعیت بیان شده و در سه دسته تبعیت از خود شیطان، از گام‌های او و از آنچه تلاوت می‌کند، قابل دسته‌بندی است.

تبعیت در لغت به معنای به دنبال کسی یا چیزی راه رفتن است (Al- Mustafawi, 2009, ) (v.1, p.408; Al-Juhari, 1956, v.3, p.1189) از این رو فعل تبعیت بیانگر ۲ رویداد حرکتی - حرکت تابع (دنبال کننده) و حرکت متبوع (دنبال شونده)- است؛ از این رو، تبعیت انسان از شیطان به صورت حرکت به سمت مقصدی متحرک بر مبنای نام‌نگاشت [پذیرفتن وسوسه شیطان، حرکت به دنبال مقصدی متحرک است] مفهوم‌سازی شده‌است.

۱۴ رویداد حرکتی در مفهوم‌سازی پذیرش وسوسه شیطان بر مبنای حرکت به دنبال خود شیطان نقش دارند (نگاه کنید به مثال ۲۰؛ سوره نساء، آیه ۸۳؛ سوره اعراف، آیه ۱۸؛ سوره حجر، آیه ۴۲؛ سوره اسراء، آیه ۶۳؛ سوره سبأ، آیه ۲۰؛ سوره ص، آیه ۸۵).

۲۰. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ﴾ (سوره حج، آیه ۳): و از مردم کسی هست که از جهل و نادانی در کار خدا جدل کند و از پی هر شیطان گمراه کننده‌ای رود (Elahi Qomshehei, 2001).

در این بخش از میان مؤلفه‌های حرکت مربوط به حرکت انسان، تنها مقصد برجسته‌سازی شده‌است؛ مقصد این حرکت شیطان (مقصد متحرک) است. در ارتباط با حرکت شیطان مبدأ، مسیر و مقصد نامشخص است.

در ۸ رویداد حرکتی پذیرش وسوسه شیطان به شکل حرکت به دنبال گام‌های شیطان مفهوم‌سازی شده‌است (مثال ۲۱).

۲۱. ﴿لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ (سوره بقره، آیه‌های ۱۶۸ و ۲۰۸؛ سوره انعام، آیه ۱۴۲؛ سوره نور، آیه ۲۱): از گام‌های شیطان پیروی نکنید (Ansarian, 2004).

تفاوت پیروی از شیطان و تبعیت از گام‌های شیطان در این است که گام‌های شیطان بر مبنای نام‌نگاشت [هدف، مقصد حرکت است] شیطان را به صورت [شیطان موجودی مادی است، که برای رسیدن به مقصد راه می‌رود] مفهوم‌سازی کرده‌است. مفسران نیز به این نکته توجه داشته‌اند؛ برای نمونه، طباطبائی می‌نویسد «گام‌های شیطان در مقایسه با هدف شیطان به منزله گام‌هایی هستند

که به سمت مقصد برداشته می‌شود» (Tabatabai, 1997, v.1, p. 417). از این رو، با اینکه در هر دو مورد (تبعیت از شیطان و تبعیت از گام‌های او) شیطان نیز متحرک است، ولی مورد دوم به حرکت شیطان به سمت یک مقصد اشاره دارد، در حالی که در تبعیت از شیطان اشاره‌ای به مقصد حرکت شیطان نشده‌است. بررسی سبک آیه‌های مورد اشاره نشان می‌دهد، مقصد حرکت شیطان تغییر در احکام الهی (نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۱۸۶؛ سوره انعام، آیه ۱۴۲)، ایجاد تفرقه بین مؤمنان (نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۲۰۸) و اشاعه فحشا و منکر (سوره نور، آیه ۲۱) است که به صورت مکان مفهوم‌سازی شده‌اند.

در ۲ رویداد حرکتی مفهوم شیطان به بر مبنای مفهوم پیامبر الهی مفهوم‌سازی شده‌است و پذیرش وسوسه شیطان به صورت پرتاب کتاب آسمانی به پشت سر و حرکت به دنبال آنچه شیاطین تلاوت می‌کنند، مفهوم‌سازی شده‌است (مثال ۲۲).

۲۲. ﴿وَكَلَّمَآ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ... نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ... وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ﴾ (سوره بقره، آیه‌های ۱۰۱-۱۰۲): و چون پیغمبری از جانب خدا بر آنان آمد ... گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر انداختند ... و پیروی کردند سخنانی را که (دیوان و) شیاطین ... (به افسون و جادوگری) می‌خواندند (Elahi Qomshehei, 2001).

اشاره به این نکته لازم است که در کنار بهره‌گیری از مقوله حرکت در مثال ۲۲، ارتباط بین شیاطین و کسانی که پیامبر زمان خود را رها می‌کنند، بر مبنای ارتباط بین پیامبر الهی و پیروانش مفهوم‌سازی شده‌است؛ به این ترتیب که در قرآن کریم تلاوت بر مردم وظیفه پیامبر است و مردم نیز از آنچه پیامبر تلاوت می‌کند، تبعیت می‌کنند (به عنوان نمونه نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۱۲۹؛ سوره قصص، آیه ۵۹) ولی در مثال اشاره‌شده گویا شیطان نسبت به این افراد جایگاه پیامبر را دارد و بر آن‌ها تلاوت می‌کند و استعاره دانش‌بنیاد با نام‌نگاشتی به صورت [شیطان پیامبر است] و [کلام شیطان وحی است] در این مفهوم‌سازی نقش دارد.

یک رویداد حرکتی باقی مانده اشاره‌ای به حرکت به دنبال شیطان ندارد ولی شیطان را بر مبنای نام‌نگاشت [تغییر عقیده بازگشت به عقب است] به عنوان مقصدی متحرک معرفی می‌کند (مثال ۲۳)

۲۳. ﴿نَكْصَ عَلٰی عَقِبَيْهِ﴾ (سوره انفال، آیه ۴۸): برگشت شیطان از وعده خود (Yasseri, 1995).

ب) شیطان مقصد حرکت

در ۲ رویداد حرکتی شیطان یا طاغوت که همان کاهنان مرتبط با شیطان هستند

(Ali, 1993, v.6, p.756) در حوزه مقصد حرکت قرار دارند (مثال ۲۴؛ هم چنین نگاه کنید به سوره نساء، آیه ۶۰).

۲۴. ﴿وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۴): چون تنها شوند باز گردند به سوی رؤسای خویش (دهم هجری).

در این حرکت مبدأ و مسیر نامشخص و مقصد شیاطین هستند. تفاوت این موارد با پیروی از شیطان در این است که در این جا اشاره‌ای به متحرک بودن مقصد نشده است.

#### ج) لغزش

یک رویداد حرکتی، پذیرش وسوسه شیطان را به صورت لغزش بر مبنای نام‌نگاشت [پذیرش وسوسه شیطان، لرزیدن است] مفهوم‌سازی کرده است (مثال ۲۵).

۲۵. ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ... فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ ...﴾ (سوره بقره، آیه‌های ۲۰۸-۲۰۹): از گام‌های شیطان پیروی نکنید ... پس اگر پس از آنکه دلایل و نشانه‌های روشن برای شما آمد، لغزیدید ... (Ansarian, 2004).

با توجه به نوع حرکت مبدأ، مسیر و مقصد تعریف نمی‌شود و تفاوت این حرکت با لغزشی که در بخش ۳/۲ به آن اشاره شد، این است که در این جا شیطان عامل حرکت نیست.

#### د) انحراف

یک رویداد حرکتی پذیرش وسوسه شیطان را به صورت منحرف شدن دل به سمت سخن دروغ شیطان مفهوم‌سازی کرده است (مثال ۲۵)

۲۶. ﴿وَلِصَّغَىٰ إِلَيْهِ أَفِئْدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ (سوره انعام، آیه ۱۱۳): و سرانجام دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به سوی آن (سخن باطل) می‌گراید (Rezaee-Esfahani et al., 2004).

در این جا سخن دروغ شیطان در حوزه مقصد حرکت قرار داده شده و نام‌نگاشت [پذیرش وسوسه شیطان، منحرف شدن است] با کمک طرحواره مسیر مبنای مفهوم‌سازی قرار گرفته است.

در مفهوم‌سازی نقش شیطان در گمراهی انسان، استعاره دانش بنیاد [شیطان پیامبر است] نقش بزرگی دارد؛ به گونه‌ای که شیطان به عنوان پیامبر و کلام دروغ او به عنوان کتاب آسمانی پیروان شیطان مفهوم‌سازی شده‌اند تا تأثیر شیطان بر گمراهی انسان به عنوان مفهومی انتزاعی به این شکل در دایره ادراک انسان قرار گیرد که مسیر بندگی اگر در پی فرستاده خدا طی شود، مسیری بدون مانع و در پرتو کتاب آسمانی به عنوان نقشه راه روشن و بدون ترس به سمت بالا و مقصد آن خدا است. در مقابل قرار دادن شیطان به جای فرستاده خدا و کلام او به جای وحی الهی لغزش،

انحراف از مسیر و حرکت به دنبال مقصدی متحرک و بی‌ثبات با هدفی نامعین است. به این ترتیب، پیروی از فرستاده خدا به صورت حرکت در مسیری مشخص و هموار به سمت مقصدی مشخص که بر اساس تجربه حرکتی انسان مطلوب و در مقابل پیروی از شیطان به صورت حرکت به سمت مقصدی بی‌ثبات و متحرک در مسیری لغزنده و نامطلوب در تجربه حرکتی انسان مفهوم‌سازی شده‌است.

### ۳. ۲. ۴. عاقبت شیطان و پیروان آن‌ها در آخرت

سه رویداد حرکتی در مفهوم‌سازی عاقبت شیاطین و پیروان آن‌ها در آخرت نقش دارد و مقصد حرکت را به صورت عذاب (نگاه کنید به سوره لقمان، آیه ۲۱؛ سوره حج، آیه ۴) و جهنم (نگاه کنید به سوره مریم، آیه ۶۸) برجسته‌سازی کرده؛ به این ترتیب که شیاطین نیروی مؤثر در حرکت پیروانش به سمت عذاب (مثال ۲۷) است.

۲۷. ﴿وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (حج/۴): و به سوی عذاب شعله فروزان (آتش) راهنمایی‌اش می‌کند (رضایی).

۲۸. ﴿لَنُحْضِرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا﴾ (سوره مریم، آیه ۶۸): به پروردگارت سوگند که آنان را و شیطان‌ها را فراهم آریم آنگاه آنان را گرداگرد دوزخ بزانو نشسته آریم (Farsi, 1990).

در تمامی موارد مفهوم‌سازی شیطان به عنوان عامل مؤثر در گمراهی انسان، مقصد حرکت نامشخص یا شیطان به عنوان مقصدی متحرک بود؛ ولی حرکتی که در دنیا مقصد مشخصی نداشت، در آخرت مقصد دارد و مقصد آن عذاب است. از این رو، پیروی از شیطان به شکل حرکت با مقصدی مبهم در دنیا و به سوی جهنم و عذاب در آخرت مفهوم‌سازی شده‌است.

### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، پس از بررسی پیکره‌ای از آیه‌های قرآن مشتمل بر ۱۰۷ آیه و ۷۸ رویداد حرکتی جایگاه شیطان/ابلیس در نظام هدایت/ضلالت را مورد بررسی قرار داده‌است. از آن‌جا که هدف از بررسی‌های قرآنی دست‌یابی به پیام قرآن کریم به دقیق‌ترین شکل ممکن است، پژوهش حاضر با بررسی مفهومی قرآنی با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌تصور گامی در جهت توسعه پژوهش‌های تفسیری به شکل روشمند و غیر وابسته به مفسر به شمار می‌آید و افزون بر آن تصویری جامع از تأثیر ابلیس و شیطان در گمراهی بشر برگرفته از نظام حسی-حرکتی انسان و در نتیجه قابل ادراک حسی برای مخاطب قرآن ارائه می‌دهد که تا کنون مورد توجه مفسران

نبوده‌است.

از میان ۷۸ رویداد حرکتی ۱۸ مورد در دست‌یابی به پاسخ به پرسش اول پژوهش نقش دارد و تغییر وضعیت ابلیس از موجودی که در مقام ملائکه قرار داشت به وضعیت فعلی را بر مبنای مقوله حرکت تبیین کرده‌است؛ به این ترتیب که تنزل درجه وی در ابتدا به صورت خروج از مکان مشخص بدون اشاره به مقصد حرکت و بدون وجود نیرویی از جانب خدا تبیین و سپس تنزل درجه ابلیس به صورت حرکت از بالا به پائین و از مرکز به حاشیه تحت تأثیر نیروی خدا مفهوم‌سازی شده‌است. در پایان، شیاطین بر مبنای طحطاوه مرکز/حاشیه به صورت موجوداتی که همواره در مکانی دور از خدا نگه داشته می‌شوند، مفهوم‌سازی شده‌اند. در این بخش، در هیچ‌یک از موارد اشاره‌ای به مقصد حرکت ابلیس/شیطان نشده و این‌گونه تغییر وضعیت وی از حالت ثبات هنگامی که در مقام ملائکه قرار داشت، به وضعیتی مبهم بر مبنای تجربه انسان از حرکت مفهوم‌سازی شده‌است.

شصت رویداد حرکتی باقی‌مانده در پاسخ به پرسش دوم پژوهش نقش دارند و شیطان را به عنوان عنصری مؤثر در گمراهی انسان مفهوم‌سازی کرده‌اند. این رویدادهای حرکتی در چهار گروه قابل دسته‌بندی است:

الف) گمراه کردن آدم و حوا توسط شیطان: در ۳ رویداد حرکتی گمراه کردن آدم و حوا به صورت لغزش، بیرون راندن از مکان مشخص به مکان نامعین و حرکت از بالا به پائین تحت تأثیر نیروی شیطان مفهوم‌سازی شده‌است. نخستین مرحله از گمراهی آدم به صورت خروج از مکان تحت تأثیر نیروی شیطان بیان شده‌است که اشاره به تأثیر شیطان در اضلال اولیه دارد؛ به این ترتیب، این دو مفهوم کاملاً انتزاعی (اضلال اولیه و ثانویه) - که مورد مناقشه و سوء تعبیر در میان مستشرقان است (Fattahizadeh et al., 2017, p. 203) - بر مبنای مقوله حرکت و طحطاوه نیرو به صورت کاملاً حسی مفهوم‌سازی شده‌اند.

ب) تلاش شیطان برای گمراهی انسان: ۲۵ رویداد حرکتی تلاش شیطان برای گمراه کردن انسان را مفهوم‌سازی کرده‌است. از این میان در ۱۰ رویداد حرکتی شیطان به صورت موجودی که در مسیر حرکت انسان می‌نشیند، از همه سو به سمت او می‌آید، از بالا به سمت انسان کافر و با هدف تحت نظر داشتن انسان به دنبال او حرکت می‌کند مفهوم‌سازی شده‌است.

همچنین، ۱۵ رویداد حرکتی شیطان را عامل حرکت انسان معرفی می‌کند در این بخش بر مبنای کلان استعاره [بندگی خدا، قرار داشتن در یک مسیر است] شیطان به عنوان کسی که با ایجاد مانع در مسیر، لغزش، لرزش و تکان‌های شدید و موارد مشابه، انسان را از مسیری که در آن

قرار داشت خارج می‌کند و به سمت مقصدی نامعلوم می‌کشاند مفهوم‌سازی شده است. این وضعیت در تجربه روزمره انسان از حرکت تداعی‌کننده، انتقال از وضعیت مطلوب به نامطلوب و مانع پیشرفت شدن است. در مقابل پیروی از فرستادگان الهی به صورت حرکت در مسیری بدون مانع، بدون ترس و به سمت بالا که همه در تجربه حسی-حرکتی انسان مطلوب است، مفهوم‌سازی می‌شود.

ج) پذیرش وسوسه/کلام شیطان: ۲۹ رویداد حرکتی پذیرش وسوسه شیطان توسط انسان را مفهوم‌سازی کرده است. در این بخش، استعاره دانش بنیاد [شیطان پیامبر است] نقش مهمی دارد؛ به گونه‌ای که شیطان به عنوان پیامبر و کلام او به عنوان کتاب آسمانی مفهوم‌سازی شده‌اند و مفهوم پیروی از شیطان به عنوان یک مفهوم انتزاعی به این شکل در دایره حسی ادراک انسان قرار می‌گیرد که مسیر عبودیت اگر به دنبال فرستاده خدا طی شود، مسیری بدون مانع، روشن و بدون ترس به سمت بالا و مقصد آن خدا است. در مقابل خروج از این مسیر و قرار دادن شیطان به جای فرستاده خدا و کلام او به جای وحی الهی انحراف و حرکت به دنبال مقصدی متحرک و بی‌ثبات در مسیری لغزنده به سمت هدفی نامعین و در تجربه حرکتی انسان نامطلوب است.

د) نتیجه پیروی از شیطان در آخرت: ۳ رویداد حرکتی وضعیت شیطان و پیروان آن‌ها را در آخرت مفهوم‌سازی می‌کند. در تمامی موارد مربوط به مفهوم‌سازی شیطان به عنوان عامل موثر در گمراهی انسان، مقصد حرکت نامشخص یا شیطان به عنوان مقصدی متحرک و بی‌ثبات بود؛ ولی حرکتی که در دنیا مقصد مشخصی برای آن تعریف نشده است، در آخرت مقصد دارد و مقصد آن عذاب و جهنم است. از این رو، پیروی از شیطان به صورت حرکت به سمت مقصدی مبهم در دنیا و حرکت به سمت جهنم و عذاب در آخرت مفهوم‌سازی شده است.

روی هم‌رفته، می‌توان گفت ارائه تصویری روشن از مدل مفهوم‌سازی این مفاهیم در قرآن بر مبنای نظام حسی-حرکتی انسان پیشینه‌ای ندارد و این خود پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش تصویری جامع و قابل ادراک حسی از وضعیت و جایگاه شیطان در نظام هستی، پیروی از شیطان و پیامدهای آن ارائه می‌دهد که شکل‌گیری آن در ذهن انسان به صورت اموری نامطلوب بر مبنای تجربه انسان از حرکت، حس نامطلوبی از پذیرش وسوسه شیطان در انسان ایجاد و مخاطب را به سمت عدم پذیرش کلام شیطان سوق می‌دهد.

## فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بيروت: دار صادر.
- ازکیا، ندا، فرهاد ساسانی و آرزیتا افراشی (۱۳۹۴). «واژگانی شدگی، چارچوبی برای تبیین فعل غیر ساده حرکتی در زبان فارسی». *زبان پژوهی*. سال ۷. شماره ۱۴. صص ۳۱-۵۷.
- الازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- افراشی، آرزیتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الهی قمشهای، مهدی (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن کریم*. قم: فاطمه الزهراء.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن کریم*. قم: اسوه.
- پورابراهیم، شیرین، ارسلان گلفام، فردوس آقاگل زاده و عالیہ کرد زعفران لو کامبوزیا (۱۳۹۰ش). «بررسی مفهوم «بصیرت» در زبان قرآن در چارچوب معنی شناسی شناختی». *پژوهش های زبان شناختی*. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۹-۳۴.
- پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۳). «مفهوم سازی زندگی در زبان قرآن». *زبان پژوهی*. دوره ۶. شماره ۱۰. صص ۸۳-۶۳.
- پورجوادی، کاظم (۱۴۱۴). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- قرآن کریم (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن کریم (دهم هجری)*. به کوشش علی رواقی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- جانسون، مارک (۱۳۹۸). *بدن در ذهن: مبانی جسمانی معنا، تحلیل و استدلال*. ترجمه جهان شاه میرزاییگی. تهران: آگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تسنیم*. قم: اسراء.
- الجوهري، اسماعيل بن حماد (۱۳۷۶). *الصحاح*. بيروت: دارالعلم للملایین.
- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*. بيروت: دارالقلم.
- محمدعلی رضایی اصفهانی، حسین شیرافکن، غلامعلی همایی، محسن اسماعیلی و محمد امینی (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن کریم*. قم: دارالذکر.
- الزبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *تاج العروس*. بيروت: دار الفکر.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علی، جواد (۱۴۱۳). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بغداد: جامعه بغداد.
- فارسی، جلال الدین (۱۳۶۹). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: انجام کتاب.
- فتاحی زاده، فتحیه، سهیلا جلالی کندری و فاطمه آبادی (۱۳۹۶). «معناشناسی اضلال الہی در قرآن کریم». *پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن*. سال ۵. شماره ۲. صص ۱۹۹-۲۱۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *العین*. قم: نشر هجرت.
- کووچش، زولتان (۱۳۹۶). *استعاره ها از کجا می آیند؟: شناخت بافت در استعاره*. ترجمه جهان شاه

میرزاییگی. تهران: آگاه.

لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۵ الف). *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقا ابراهیمی. تهران: نشر علمی.

لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۵ ب). *فلسفه جسمانی: ذهن جسمانی و چالش آن با اندیشه غرب*. ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: آگاه.

لیکاف، جورج و رافائل نونز (۱۳۹۶). *ریاضیات از کجا می‌آیند؟*. ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: آگاه. مشکور، محمد جواد (بی‌تا). *فرهنگ تطبیقی زبان عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مشکینی، علی (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن کریم*. قم: الهادی.

المصطفوی، حسن (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

یاسری، محمود (۱۴۱۵). *ترجمه قرآن کریم*. قم: انتشارات بنیاد امام مهدی (عج).

## References

- Afrashi, A. (2016). *Introducing cognitive semantics*. Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies [In Persian]
- Al-Azhari, M. (2001). *Tahdhib al-lugha*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi [In Arabic]
- Al-Farahidi, Kh. (1986). *Al-Ayn*. Qom: Hejrat [In Arabic]
- Ali, J. (1993). *Al-Mufasal of Arabs history in the Pre-Islamic period*. Baghdad: Baghdad University [In Arabic].
- Al-Juhari, I. H. (1956). *Al-Sihah*. Beirut: Dar al-Ilm Lilmalayin [In Arabic].
- Al-Mustafawi, H. (2009). *Exploration in the words of the holy Quran*. Beirut: DKI [In Arabic]
- Al-Raghib al-Isfahani, H. (1992). *Mufradat al-faz al-Quran*. Beirut: dar al-ghalam [In Arabic]
- Al-Zabidi, M. (1993). *Taj al-Arus*. Beirut: dar al-fekr [In Arabic].
- Ansarian, H. (2004). *Translation of the holy Quran*. Qom: Osveah [In Persian]
- Azkiya, N., Sasani, F., & Afrashi, A. (2015). Lexicalization as a framework for explaining non-simple verbs in Persian. *Journal of Language Research*, 10 (14), 31-57 [In Persian]
- Brinkman, J., Civil, M., Gelb, I., Oppenheim, L., & Reiner, E. (2004). *The Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago*. Chicago: Oriental Institute.
- Brun, S.J. (1895). *Dictionarium Syriaco-Latnum*. Typo. PP. Soc. Jesu: Beryti Phoeniciorum.
- Costaz, L. (2002). *Dictionarie Syriaque-Francais/ Syriac-English Dictionary*. Beirut: Dar El-Machreq.
- Dillmann, A. (1865). *Lexicon linguae Aethiopicae*. Lipsiae: T. O. Weigel.
- Dodge, E., & Lakoff, G. (2005). Image schemas: From linguistic analysis to neural grounding. In B. Hampe (Ed.), *From perception to meaning: Image schemas in cognitive linguistics*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Elahi Qomshehei, M. (2001). *Translation of the Holy Quran*. Qom: Fatimah al-



- Zahra [In Persian]
- Evans, V. & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Farsi, J. (1990). *Translation of the Holy Quran*. Tehran: Anjam-ketab [In Persian].
- Fattahizadeh, F., Jalali, S., & Abadi, F. (2017). Semantic analysis of "idlale alahi" in the Holy Quran. *Biannual Research Journal of Quranic Interpretation and Language*, 5(2), 199-216 [In Persian]
- Gesenius, W. (1939). *A Hebrew and English lexicon of the Old Testament*. New York: Oxford university press.
- Ibn Manzur, M. (1994). *Lisan al-Arab*. Beirut: darsader [In Arabic]
- Jastrow, M. (1903). *A Dictionary of the Targumin, The Talmod babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*. London: Luzac.
- Javadi-Amoli, A. (2010). *Tasnim*. Qom: Esra [In Persian]
- Johnson, M. (2005). The philosophical significance of image schemas. In B. Hampe (Ed.), *From perception to meaning: Image schemas in cognitive linguistics*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Johnson, M. (2019). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination, and reason* (J. Mirzabeigy, Trans.), Tehran: Agah [In Persian].
- Kovecses, Z. (2017) *Where metaphors come from: Reconsidering context in metaphor* (J. Mirzabeigy, Trans.), Tehran: Agah [In Persian].
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2016a). *Metaphors we live by* (H. Aghaebrahimi, Trans.), Tehran: Elmi [In Persian]
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2016b). *Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenge to western thought* (J. Mirzabeigy, Trans.), Tehran: Agah [In Persian]
- Lakoff, G., & Nunez, R. (2017). *Where mathematics comes from: How the embodied mind brings mathematics into being?* (J. Mirzabeigy, Trans.), Tehran: Agah [In Persian]
- Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaphor: Metaphor and thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Leslau, W. (1991). *Comparative dictionary of Ge'ez*. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Mashkur, M. J. (n.d.) *Coparative dictionary of Arabic, Persian, and Semitic languages*, Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran [In Persian].
- Meshkini, A. (2002). *Translation of the Holy Quran*. Qom: al-Hadi [In Persian].
- Pourebrahim, Sh. (2014). The conceptualizations of, life in Quranic language. *Zabanpazhuhi*, 6 (10), 63-83 [In Persian].
- Pourebrahim, Sh. , Golfam, A., Agha Golzade, F., & Kord Zafaranlu Kambuzia, A. (2011). A study of the knowledge concept in Holy Quran language: Cognitive semantics framework. *Journal of Researches in Linguistics*, 3(2), 19-34 [In Persian].
- Pourjavadi, K. (1994). *Translation of the Holy Quran*. Tehran: Encyclopaedia Islamica Foundation [In Persian].
- Rezaee-Esfahani, M. A., ShirAfkan, H., Homae, Gh., Esmaeeli, M., & Amini, M. (2004). *Translation of the Holy Quran*. Qom: darzeker [In Persian].
- Smith, P. (1957). *A compendious Syric dictionary*. Britain: Oxford.
- Sweetser, E. (1990). *From etymology to pragmatics: Metaphorical and cultural aspects of semantics Sstructure*. Cambridge: Cambridge UniversityPress.

- Tabatabai, M. H. (1997). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran*. Qom: Jami'a-yi Mudarrisin-i Hawza-yi 'Ilmiyya-yi Qom [In Arabic].
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics*. Cambridge: MIT Press.
- Taylor, J. (2003). *Linguistic categorization*. Oxford: Oxford University Press.
- The Holy Quran* (2004). *Translation of the Holy Quran* (Tenth century AH), Tehran: Farhangestan-e-zaban-va-addab-e-farsi [In Persian].
- Yasseri, M. (1995). *Translation of the Holy Quran*. Qom: Bonyad-e Imam Mahdi [In Persian].
- Zammit, M. (2002). *A comprative lexical study of Qur'anic Arabic*. Boston: Brill.